

عنوان مقاله:

کهن الگوهای زایش یا مادران ازلی و نمود آن در غزل های بیدل دهلوی

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات اجتماعی - روانشناختی زنان، دوره 8، شماره 3 (سال: 1389)

تعداد صفحات اصل مقاله: 25

نویسنده:

مهین پناهی - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه الزهراء(س)

خلاصه مقاله:

هند سرزمین اسطوره ها است و کهن الگوها و ایزدبانوان در سروده های شاعران این دیار نمودی ویژه دارند. در این نوشتار برآنیم که نمود این کهن الگوها و ایزدبانوان را در غزل های بیدل دهلوی، بیابیم و دریابیم کدام یک از آن ها در ذهن شاعر بیش تر رسوب کرده، و به گونه ای ناخودآگاه، در زبان او پدیدار شده است. نتایج نشان می دهد که سه کهن الگوی زایش خداانگاری، زمین زایی، و گیاه (درخت) زایی در اشعار بیدل به کار رفته است. خداانگاری با باورهای اسلامی بیدل هم سو است و این شاعر در پس همه پدیده ها خداوند یکتا را می بیند. زمین زاد بودن انسان و یکی پنداشتن زن و زمین، به دلیل بارور بودن شان، ریشه ای عمیق در میان اقوام گوناگون دنیا دارد و در اسطوره ها و آیین ها نمایان است؛ به همین دلیل، بیدل زمین زاد بودن را، بیش از عناصر دیگر اسطوره ای، مورد توجه قرار داده است. گیاه زایی یا درخت تباری نیز، در میان اقوام گوناگون، رمز باروری، نامیرایی، و زنده شدن پی در پی است و رویش گیاه از انسان، پس از کشته شدن قهرمان در اسطوره ها، نشان دهنده همین باور است. بیدل این کهن الگو را به شکل تشبیه خود یا معشوق به درخت و بخش های گوناگون آن (گل، غنچه، و دیگر) نشان می دهد. وجود کهن الگوها در شعر بیدل دلیل باور او به این اسطوره ها نیست و تنها رسوب خاطره ای جمعی را نشان می دهد که در ادبیات نمود یافته است. باور حقیقی بیدل، به عنوان شاعری مسلمان، گرایش ملایم به وحدت وجود یا خداانگاری و نیز خاک انگاری در سویه جسمانی است.

کلمات کلیدی:

بیدل دهلوی، کهن الگوهای زایش، خداانگاری، زمین زایی، گیاه زایی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1026213>

